

بازتاب سقوط اقتصادی

و استیصال رژیم

در حل بحران

با گذشت ۶ ماهی اول سال، پیش‌بینی‌های مربوط به وضع عمومی اقتصاد کشور از دوسر از محسک تجربه گذشتند. از آنطرف خوش‌خیالیها و عوام فریبی‌ها و وعده‌های بی‌راستی‌های رژیم فسق‌گشته در گردآب، به رسوایی‌های بیشتر آخوندیسم حاکم انجامید و از اینطرف پیش‌بینی‌های واقع‌گرایانسه جریانهای شرقی و مبارز از اعتبار بسالائوری برخوردار گردید. بویژه انقلاب بین کمونیست و کسسه روند آینده‌ی اقتصاد را از خلال قوانین و خصایص حاکم بر سرمایه‌داری ایران نیز بیرون میکشند، قادر به تشخیص روشنتر چشم انداز آینده بودند. چشم‌اندازی که نشان از تورم فزاینده، سقوط سطح تولید و سرمایه‌گذاری، سگای، گسترده، کبابیسی

بازتاب سقوط...

با بهره فشار ناگزیر رژیم حاکم دانسته... به چشم اندازی که میروانک به مابقی اعلام خطری برای زندگی و سلامت...

چنین بین آمد که محور برپس آینده اقتصادی ایران سستی بیشتری عمومی سوت باشد... در حالی که در اوایل سال جدید درگیر شد...

امکانات و ظرفیت تولیدی نیز چنان ضعیف است... و آن شد که امید بازسازی به دست کشیدن... حاکم و خیالیها در آن قدرت ظلمتی بود...

با پایان آمدن ۶ ماهی اول سال... دیگر جایی برای فریب و تیرنگ باقی نمانده است... عظیم تلاشها برای قیمت شکنیهای پنهانی...

بهر صورت در برابر روشهای دلپذیر آقای بنی... حزب جمهوری بر شیوه های قاطع و شکستناک استوار بود...

دولت برای تامین کسری خود... که عمدتاً از "جنگ حق علیه باطل" سرچشمه گرفته است... بی جز اعتبار اسکناس و بیسبب پولی به اشکال مختلف...

با ما در نظر گرفتن شرایط بازار جهانی... سرمایه داری جهانی و وضعیتهای ملی و اقتصادی بهره برداری هر دو جناح را افشا میگردیم...

سرمهون باد رژیم جمهوری اسلامی

ستاد بهج ، توزیع و جیره بندی و پیش خرید برخی کالاها را به عهده گرفته و با اصطلاح به تأمین نیاز ضدبیمای منابع نیز سپردارند . قرار است این ستاد در شرایط جنگ گردش مطلوب امور اقتصادی را به عهده در امر توزیع و تهیه کالاها عهده دار گردد . لیکن در مقابل فشار گران و بیگاری جزو سیاستهای برای انتقال بار مشقات حاصل به دوش اقشار پائینتری جامعه و در کنار آن جزا ایزاری برای سود رسانی به تجار کلکی نبوده است . هرچه در مورد اینها با یاره گویانهای بهزاد نوری ، این عالم اقتصاد و معجون هفت خط جمهوری اسلامی ، ذیبی میگرد و سازمانهای جوی ستاد بهج اقتصاد بهتر به نگاهی افکند ، عوی بهران آشکار تر میشود . در شرایطی که جنگ و ناآرامی تأمین سلاح و تجهیزات نظامی آرزوی کشور را عزم بلعیده است و باقیاندهی مطالبات آرزوی ایران از آمریکا ، پس از پیروزی و بخششهای رژیم ضد آمریکاییستی آخوندی ، به صورت زایدیه شنیده و هیچ گره ای از کار فرو بستگی اقتصاد نگردد . و بالاخره در وضعیتی که سقوط دولت چانهی سطح تولید کالاها ای اساسی جاسه را به عهده روبرو ساخته است ، این سخنگوی تیغ و مشکون وضع اقتصادی کشور را " خوب " توصیف میکند و از آن سبتر آنکه او بدون اشاره ای به شکست همه جانبهی برنامهی اقتصادی رژیم ، خامه در زمین میچسباند . سال ۱۳۶۰ ، باز مردم را به نوبی مشغول میداند .

اصل مسئله مورد بحث کسری بودجه بود . نخواستن آرزوی چرا و چگونه به صورت نه کشیده اند ؟ سیاست نه عری و نه عری جمهوری آخوندی چرا هنوز اینچنین به واردات روز افزون تقریباً همه چیز متکی است ؟ ایشان از آنرو از بیان سبیل عده غلبه عروشه که با طرح این مشمولات درمی عیب و هفتالی که بر سر راه رژیم قرار دارد و برای کشیدن آن به قدر خوبی کار کشیده است ، با تصویر روشنی پیش چشم همگان خواهد آمد .

روز گذشته نشان میدهند که کسری بودجهی سال ۱۳۶۰ به بیش از یک میلیارد ریال خواهد شد . مگر آنکه از این پس رژیم روزانه بیش از سه میلیون ریال تقصیر کند و به قیمت متوسط ایک فروش برصت ، از ظرفیت تولیدی هم به هم نرسد . عیالات کشاورزی اصل نیز آنبار که از قران بیسند است ، کاهش یافته . اعمال فشار و مهر حق در زمینهای اقتصادی صورت و شدت یافته است . این صله که اصل دولت تاکنون ۲۰۰ هزار تن کسریه قیمت کلیکی ۲۸ ریال از روستائیان خریداری کرده است ، در حالیکه به تازمه خود مقامات کسری ، در بازار آزاد قرضی به مراتب بیش از اینها دارند . حکایت از سیاست اقتصادی کسریه عروشه میگوید ، چگونه ممکن است روستای فقر که سال به سال در گام بیرونیتر بهتر فرو میرود به خاطر که اعمال رژیم خودبخود و کد آب حاصل دسترخی خود را از آن فروشی کند ؟

" در شرایطی که به وارد کردن گوشت و نان و برنج و دیگر مواد اولیه نیاز داریم ، باید از وارد کردن کالاهای لوکس و غیر ضروری خودداری کنیم و مردم نیز بسا نخریدن این گونه کالاها را بالا رفتن بیرونی قیمت آنها جلوگیری کنند ."

(کیهان - ۲۲ شهریور ۱۳۶۰)

نوری میگوید دولت دست مطلق خود را و دلال ها را از مداخلهی کسری کوتاه کرده است . تهیه چیست ؟ دولت به طاری یک مشتری بزرگ به میدان آمده و پیش زبانی از کسری ها را به قیمت آرزای خریداری کرده است . تا این جا یک ضرر هنگفت به عهده های دولتی و اما دولت که خود عامل افزایش بسیاری از قیمت ها به دلیل تقصیر بوده است ، قصد آرزای فروش دارد ؟ به تجربه بشناسیم خیره ضرر درونی نصیب صرف کنندگان تسهی دولت شهری خواهد شد . برای اثبات این مدعا توجه کنید که در همان حالیکه نسبی به دلیل خرید محصول برنج داخلی توسط دولت ، به هم امان افزایش قیمت شهری آن به بیش از کلیکی ۲۰ تومان میخند ، قیمت برنج متوسط ایرانی برای صرفی کننده از هر ۱۶ تومان نیز گذشته بود ، هم چیز نشان میدهند که اینک رژیم تنها میتواند به ابزار فقر و نوزک و اعمال مجازات قتل باشد . در شرایطی که اتمام ذخائر آرزوی " سهم جنگ " واردات کالاها ای اساسی با مشکل روبرو میازد و کسایشی تولیدات داخلی نیز بر این مشکل میافزاید ، انتظار اعمال فشار نیز در اشغال نوزکون آن ، از جیره بندی تا سرکوب فیزیکی میرود . رژیم از هم اکنون خسرت را آماده ساخته است . در روزنامه ای اطلاعات (هشتم بهم مهر ماه ۱۳۶۰) استفاده از سنت خاک نخل آن هم بطور صراصری توصیه میشود . دقتربه سنجیه خانوار جایگزین میبستم کسری شده است که خود حکایت از فشار بیشتری دارد (کیهان ۷ مهرماه ۱۳۶۰) .

صحت نیست نشان دادن این واقعیت به همی کسانی که برخلاف نسبی از حیا بر سر بردارند ، که فشار نسبی نشانده بر روی کالاها ی لوکس ، که بر کالاها ای اساسی عیوه عواد غدایی و سکسین شکرکسز است . کالاها ی لوکس که واژهی آن بخودی خود نمیتوانند هیچ تعبیر شخصی را از بیان سخنگوی در نظر ترسیم نمایند ، در مقابل آنچه که نیازمندی ابتداییی تولید های طبیعی را تشکیل میدهند از اهمیت بی افتد . هر گاه از اقلام برنج ، گوشت ، روغ ، نسیم مسرغ ، صود ، قند ، نفت ، پوشتاک ، حشره کش ، ظروف غذا خوری ، درادیم فروش ، اسوزام ، الکل ، و غیره را که در نظر بگیریم در طول یکسال گذشته از ۵۰ تا بیش از صد درصد افزایش قیمت داشته اند . صحت زبان و کباب است و کابوس سرمای زمستان از همم اکنون مستظندان را آزار میدهد و انواع اسوزام خانکی بطوزی باور نکردنی از دسترس دور مانده اند . اجاره ی منزل همچنان بالا است . راستی که آسک از این کالاها لوکس هستند ؟ آیا این بیان سخنگوی چیزی جز توصیف به بسک عبارت شده است برای انجام نقش سرکوبگرانهی سازمان مربوط به وی (بهج اقتصادی) است ؟ جا داشت که این سخنگوی خوش بپوش کسری انضیار نیست نسبی که بدن های جرفاله شده ی رئیس جمهوری کلکی و نخست وزیر محبوب از آن بیرون آمد ، نام شدی سرچالی را تهدید که با پای خود برای مخالفی خراسان دستشان به بیطرفستان مرفقند ،

در کار همی اینها قتل عام و شکجه و کشتار وجود دارد که بر سر راه هر اعتراض کننده قرار میگرد . هیچ تجمع و تشکل و تظاهر و انتصابی نیست که به خون کشیده نشود . ابزارهای اقتصادی با روبرو شدن با تشکلهای رژیم به روزه یک میبازند و جای خود را به قوانین و بیسیات کتول میکنند . و سرکوبگر می دهند . در یکی در ماهی اخیر تقریباً یکصد هزار

در صحنه نیست چیز روشها و نتایج فدا، عار و اعدام
 های چند صد نفری. سخن از اصلاحات ارضی،
 اعیان منافع، کنترل تورم، ایجاد شغل، ملی کردن تجارت
 خارجی در حال حاضر جداگانه یک موضوع تلقی میشود و هیچ
 تأثیر سقوط مملکت سطح زندگی توده ها در حرکت
 انقلابی توده ها تا به امروز هرچه بوده است در نتیجه
 دروم سال طبعا باید حکایت از فزونی حرکتها
 مبارزاتی یافته از سوی آنها و گسترش اعتراضات
 و اعتراضهای توده ای داشته باشد. بحران اقتصادی
 زودتر از آنست که در نتیجه دوم سال، فصول سرما
 سلطنت کند. شکوفه های حرکات اعتراضی طبقه ای
 کارگر علیه نظام سرمایه داری و آخرت به رسم توجه نکردن
 آن، در همین فصل باید بشکند. شکوفه های کسبه
 میوه اشان سرنبه های پولادین کارگران و انقلابیون
 کمونیستی خواهد بود که در تارک سوسیالیزم، این
 چارهی قاطع مردم های اجتماعی بهم خواهند بستند.
 شمار با ضرورت و خفتان حاکم رند مبارزه ی طبقاتی
 را همراه آورده و گنجینه ی تجارت نبرد علیه نظام
 کالبدی موجود را غنی تر میسازد. از این شب
 فقط چند نفسی باقی است. " نماز دشمن شکن"
 جمعه هجری ۱۰/۷/۵۶ به امامت شیخ فائزنگار هاشمی
 رزنجان شامه اعتراضی صریح بر رنده صمصامزده و

مخالفت علیه رژیم و انقلابی بر پایان خاکستری
 شیاطین برده پیوست و رنجان دولت است. وی گفت
 " اگر امروز هزار نفر را بکشیم سه سال
 دیگر باید صد هزار نفر را بکشیم."
 این را همه میدانستیم که این دشمنان بشر با ضعیف
 جامان حزب اللهی و چنانکار شان گفتن سه ها هزار
 نفر را تارک دیده اند. حالا کابوس طسلوع
 قدرت مردم ها عزای و طبعی توده ها است که این
 ظاهر " عطف اسلامی" را با صدمه تارک از خیابانها
 صلیح ها بسازند. در این میان درسی که سقوط
 همه جانبه اقتصاد و آثار روگبار آن به پیشگامان
 جنبش انقلابی، گرچه هنوز با کشیدنی، جایزه کشیم
 گرانبیا تر از ایمانی که زحمتکشان به آزادی خویش
 میاورند نیست. دیگر بس است به نوع خشکالیسی
 عالمان نوزادی برای حسل بحران دل خوش داشتن،
 دیگر کافی است از نصیحت احترام به مالکیت خصوصی
 سخن گفتن، از وضعی موسم به " پروژهای سلسلی"
 باز اکتفا کردن که از خود بگذرد و به محرومان
 بیرادار تنها امید واقعی بی روزی حرکت به سمت
 سوسیالیزم در خلال مبارزه ضد فاشیستی - ضد
 امپریالیستی امروز توده ها است.